



سال اول. شماره اول. بهار و تابستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۲۷

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۱۳

## سفرهای علمی ابن قولویه و ارتباط آن با منابع کامل الزیارات | امین حسین پوری<sup>۱</sup>

### چکیده

این نوشتار به بررسی سفرهای علمی «ابن قولویه قمی» محدث بلندآوازه شیعه به برخی مناطق جهان اسلام آن روزگار و رهاوردهای این سفرها می‌پردازد. پرسش اساسی این است که بر پایه داده‌های تاریخی و رجالی موجود، ابن قولویه به چه شهرهایی سفر کرده و در هر شهر از چه مشایخی حدیث شنیده است و تأثیر این شنیده‌ها را در نگارش کامل الزیارات چگونه می‌توان تحلیل کرد؟ با بررسی‌های انجام گرفته روشن گشت ابن قولویه به سه منطقه «ری»، «عسکر مکرّم» و «مصر» سفر کرده است. او در ری میراث حدیثی «الحسین بن علی الزعفرانی» را شنیده است و در عسکر مکرّم اجازه روایت میراث حدیثی علی بن مهزیار الأهوازی را از «أبو عبدالرحمن محمد بن احمد بن الحسین العسکری» دریافت نموده است. ابن قولویه به مصر هم سفری داشته که در آن از «محمد بن أحمد بن ابراهیم بن سلیمان أبو الفضل الجعفی الکوفی معروف به «الصابونی»، «أبو عیسی عبیدالله بن الفضل الطائی النبھانی»، «أبو علی أحمد بن علی بن مهدی الرقی الأنصاری» و «أبو الحسین احمد بن عبدالله بن علی بن اسحاق الناقد» حدیث شنیده است. ابن قولویه از مسموعات خود در این سفرها به عنوان منبعی برای تألیف کامل الزیارات بهره برده است.

واژگان کلیدی: ابن قولویه، کامل الزیارات، سفرهای علمی، منابع حدیثی، حوزه‌های

حدیثی.

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث و طلبه سطح چهار حوزه علمیه قم. Aminhpi1390@gmail.com

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه القمّی (حدود ۲۹۲ - ۳۶۹ هـ.ق) از فقیهان و محدّثان بزرگ شیعه در سده چهارم هجری است که همه بزرگان و رجال شناسان شیعه بر وثاقت، والایی مقام و جایگاه رفیع علمی و حدیثی وی اتفاق نظر دارند. تنها نگاشته بر جا مانده از وی کتاب ارجمند کامل الزیارات است.

اگرچه در نوشته‌های متداول رجالی و شرح حال نگاری درباره «ابن قولویه» مکرر سخن گفته‌اند اما محور بحث این نوشتار نکته‌ای دیگر است که ظاهراً کسی به تفصیل بدان نپرداخته یا دست کم نگارنده تا کنون نوشته‌ای در این باره ندیده است.

این نکته به بررسی سفرهای علمی ابن قولویه به شهرهایی از بلاد اسلامی آن روز جز قم و بغداد مربوط می‌شود - زیرا شهر اول زادگاه وی بوده و می‌دانیم در دو دهه نخستین عمر خویش در آنجا رشد یافته و دومی نیز در دو تا سه دهه پایانی عمرش موطن وی بوده و در همانجا نیز از دنیا رفته است - لذا در ادامه درباره ارتباط این سفرها با منابع کامل الزیارات گفتگو می‌نماییم به امید آنکه زوایایی کمتر شناخته شده از فعالیت‌های علمی و میراث حدیثی این ستاره درخشان آسمان حدیث شیعه روشن گردد.

البته باید اذعان کنیم که از جزئیات زندگی وی چیز زیادی نمی‌دانیم و شاید سفرهای علمی وی بیش از تعدادی بوده که در سطور آینده به آن خواهیم پرداخت، ولی در این جا تنها سفرهایی را مدنظر قرار می‌دهیم که قرینه‌ای صریح و روشن در آثار و روایات ابن قولویه بر آن دلالت دارد یا با اجتهاد و کنار هم قرار دادن چند نکته می‌توان آن را شناسایی کرد و از این رو از ورود به گستره گمانه‌زنی‌ها درباره دیگر سفرهای احتمالی او که مستند روشنی ندارند، خودداری خواهیم کرد.

براساس بررسی داده‌های تاریخی، ابن قولویه به این شهرها یقیناً سفر کرده است:

### ۱. سفر ابن قولویه به شهر «ری»

همان‌طور که می‌دانیم ری از دیرباز در شمار شهرهای آباد ایران به شمار می‌رفته است.





نزدیکی این شهر به قم و حضور شیعه از دیر زمان در آن به طور طبیعی زمینه و انگیزه لازم را برای راویان و محدثان شیعه فراهم می‌کرده تا به آنجا سفر نمایند. با تتبع در اسناد کامل زیارات به این سند بر می‌خوریم:

حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الرَّعْفَرَانِيُّ بِالرَّيِّ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ بْنِ حَيْثَمٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي رَاشِدٍ عَنْ يَعْلَى بْنِ مُرَّةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا حُسَيْنٌ سَبَطَ مِنَ الْأَسْبَاطِ.» (ابن قولویه، ۱۴۲۹: باب ۱۴ / ۱۱۶، ح ۱۱)

ابن قولویه اندکی بعد باز حدیث دیگری را با این سند گزارش می‌کند:

حَدَّثَنِي أَبِي عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الرَّعْفَرَانِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو الْأَسْلَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَمْرُو بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْسَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: «الْمَلِكُ الَّذِي جَاءَ إِلَى مُحَمَّدٍ صِ يَخْبِرُهُ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ ع كَانَ جَبْرِيئِيلَ...» (همان، باب ۱۷: ۱۳۱، ح ۷)

و بار سوم حدیثی را به این شکل گزارش کرده است:

حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الرَّعْفَرَانِيُّ بِالرَّيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو النَّصِيبِيُّ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ أَخْبَرَنِي الْمَشِيحَةُ «أَنَّ الْمَلِكَ الَّذِي جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ أَخْبَرَهُ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع كَانَ مَلِكَ الْبَحَارِ...» (همان)

جز این موارد، نه در کامل زیارات و نه در هیچ منبع دیگری، روایت دیگری از ابن قولویه از حسین بن علی زعفرانی نمی‌یابیم. پس نتیجه می‌گیریم ابن قولویه به ری سفر کرده و در این سفر دست‌کم از این شخص حدیث شنیده است. اما چرا در سند دوم، ابن قولویه با واسطه پدرش از زعفرانی روایت کرده است؟

برای روشن شدن پاسخ نخست باید بگوییم در سه چاپ کامل زیارات که نگارنده بررسی کرده، سند حدیث به این شکل آمده است<sup>۱</sup>، ولی براساس نسخه‌ای از کامل زیارات متعلق به حدود سده دهم یا یازدهم هجری - که در کتابخانه مرحوم آیت‌الله فاضل خوانساری در خوانسار نگهداری می‌شود - سند این حدیث چنین آمده است: «حَدَّثَنِي

أبو عبد الله الحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الزَّعْفَرَانِيُّ<sup>۲</sup> البته در محل لفظ « ابو عبد الله » در این نسخه مقداری آثار سیاهی دیده می شود که احتمالاً نشان دهنده آن است که در محل این واژه، نخست کلمه دیگری نوشته شده بوده و سپس محو شده و به جای آن لفظ: « ابو عبد الله » نگاشته شده است.

اگر چه مجال مراجعه به دیگر نسخه های خطی این کتاب برای نگارنده فراهم نشده است ولی با قاطعیت می توان گفت که صورت صحیح حدیث دوم، به همین شکلی است که در این نسخه خطی آمده است که بر اثر از قلم افتادن لفظ عبد الله، در نسخه های دیگر « حدثنی ابو عبد الله الحسین » به « حدثنی ابي عن الحسين » تحریف شده است.

شاهد مهم این مطلب یکی این است که ابن قولویه در حدیث دهم از همان باب ۱۷ چنین می گوید:

حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَمِيرَةَ الْأَسْلَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَمْرُو بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ مِثْلَ حَدِيثِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الزَّعْفَرَانِيِّ سِوَاءً. (ابن قولویه، ۱۴۲۹: باب ۲۱/۱۴۳، ح ۳)

و اگر حدیث محل بحث از پدر وی نقل شده بود چه دلیلی داشت که ابن قولویه حدیث را به استاد پدرش نسبت دهد. شاهد روشن دیگر تصریح خود ابن قولویه به اخذ حدیث از « الزعفرانی » در حدیث اول و سوم است. و دست آخر این که در هیچ سندی روایت پدر ابن قولویه از این « الزعفرانی » دیده نمی شود.

### ۱-۱. بررسی شخصیت زعفرانی

حال پرسش دیگر این است که « أبو عبد الله الحسین بن علی الزعفرانی » کیست؟ متأسفانه با وجود جستجو در ده ها منبع از منابع رجال و تراجم شیعه و سنی نام و نشانی از وی نیافتیم.<sup>۳</sup> اما می دانیم که متن حدیث نخستین را با اندک تفاوت ابن ماجه قزوینی از « یحیی بن سلیم » از « عبد الله بن عثمان بن خثیم » روایت کرده و سپس سند آن را تا رسول اکرم



عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به همان شکل سند کامل الزیارات آورده است. (قزوینی، [بی تا]، ۱: ۵۱، ح ۱۴۴)

این متن را با تفاوتی اندک منابع دیگر سنّی به نقل از افراد دیگری نیز از عبدالله بن عثمان بن خثیم روایت کرده و دنباله سند نیز از وی مانند نقل کامل الزیارات است.<sup>۴</sup>

در ادامه ذکر چند نکته مفید می نماید. نخست آنکه «عبدالله بن عثمان بن خثیم» در منابع سنّی شناخته شده بوده و پیش از سال ۱۴۴ هـ.ق درگذشته بود.<sup>۵</sup> دوم آنکه رجالیان سنّی از یک راوی شناخته شده عامّی به نام «أبو زکریا یحیی بن سلیم القرشی الطائفی» یاد کرده اند که برخی همچون شافعی و دیگر معاریف عامّه از او نقل داشته اند و به سال ۱۹۵ هـ.ق درگذشته است. این فرد از شاگردان و راویان «عبدالله بن عثمان بن خثیم» بوده است.<sup>۶</sup> در یک مورد احمد بن حنبل از شخصی به نام «یحیی بن سلیمان» از عبدالله بن عثمان بن خثیم روایت کرده و سپس افزوده است: «لم أسمع من یحیی بن سلیم غیر هذا الحدیث» (بیهقی، ۱۴۱۰: ۴۴۱/۳، ح ۴۰۰۶) ذهبی همین عبارت را در ترجمه: «یحیی بن سلیم القرشی» آورده است. (ذهبی، ۱۴۰۵: ۳۰۷/۹) از این مطلب استفاده می شود که «یحیی بن سلیم» و «یحیی بن سلیمان» یک نفر هستند به ویژه با توجه به اینکه می دانیم اعراب از زمان جاهلیت و پس از آن لفظ «سلیم» را از باب تصغیر ترخیم در اشاره به نام «سلیمان» به کار می برده اند.<sup>۷</sup> پس بدون شک دو عنوان «یحیی بن سلیم» و «یحیی بن سلیمان» به یک راوی اشاره دارند. اما با این همه رجالیان سنّی از کسی به نام «أبو عبدالله الحسین بن علی الزعفرانی» در شمار شاگردان وی یاد نکرده اند.<sup>۸</sup>

صرف نظر از تعیین هویت این راوی، نکته تأمل برانگیز این است که ابن قولویه که حدود سال ۲۹۲ هـ.ق به دنیا آمده<sup>۹</sup> چگونه می تواند از استاد استادش «یحیی بن سلیم القرشی الطائفی» (م ۱۹۵) با یک واسطه نقل حدیث کند؟ این تنها در صورتی ممکن است که حسین بن علی الزعفرانی عمری بسیار طولانی (بیش از ۱۱۰ سال) داشته باشد تا بتواند دست کم در کودکی از یحیی حدیث شنیده باشد. این پدیده اگرچه محال نیست ولی بسیار

غریب می نماید.

در اینجا باید به این نکته نیز توجه کرد که در سند روایت دوم، زعفرانی از «محمد بن عمرو الأسلمی» روایت کرده است، براین اساس آیا می توان ادعا کرد این عنوان تصحیف شده و صحیح آن «محمد بن عمر الأسلمی» و مراد از آن «محمد بن عمرو بن واقد الواقدی الأسلمی، أبو عبد الله المدنی»<sup>۱۰</sup> (۲۰۷-۱۳۰) مورخ مشهور و صاحب المغازی است؟ یک شاهد بر این مطلب این است که ابن قولویه همین حدیث هفتم باب ۱۷ را در حدیث دهم با سند دیگری به این شکل می آورد:

حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَمِيرَةَ الْأَسْلَمِيَّ قَالَ حَدَّثَنِي عَمْرُو بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْسَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ مِثْلَ حَدِيثِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّعْفَرَانِي سِوَاء. (ابن قولویه، ۱۴۲۹: باب ۱۷/۱۱۳، ح ۱۰)

و در جاهای دیگر روایت واقدی از «عمرو بن عبد الله بن عبسَةَ عن محمد بن عبد الله بن عمرو» به طور مکرر دیده می شود.<sup>۱۱</sup> و دور می نماید که از یک راوی یعنی «عمرو بن عبد الله بن عبسَةَ» دو نفر به نام های کاملاً نزدیک به هم «محمد بن عمرو الأسلمی» و «محمد بن عمیرة الأسلمی» حدیث نقل نمایند. علاوه بر آنکه می دانیم هشام بن سعد - که محمد بن عمر در حدیث سوم از او نقل می نماید - از استادان معروف واقدی است که وی بارها و بارها از او روایت نقل کرده است.<sup>۱۲</sup> اما آنچه این احتمال را با چالش مواجه می سازد همان نکته فاصله زمانی بسیار زیاد میان ابن قولویه تا واقدی است که با وجود آن بسیار بعید است وی بتواند تنها با یک واسطه از واقدی روایت کند.

## ۲-۱. بررسی مذهب زعفرانی

پرسش دیگری که در این جا می توان آن را بررسی کرد این است که آیا زعفرانی شیعه بوده است؟ در پاسخ باید بگویم از یک سو اکثر راویان نام برده شده در این سه سند از اهل





سنت هستند و از سوی دیگر مضامین این روایات نیز همان مضامینی است که اجمالاً در کتب حدیثی سنی روایت می‌شده است و از سوی سوم هیچ نام‌نشانی از زعفرانی در هیچ منبع شیعی دیده نمی‌شود. این سه نکته گمانه‌سَنی بودن وی را به شدت تقویت می‌نماید.

به هر حال با توجه به اینکه سندهای « زعفرانی » پس از وی متشعب می‌شود و نام استادان او تغییر می‌کند؛ پس باید گفت روایات وی یکی از منابع تألیف کامل زیارات بوده است. البته به روشنی نمی‌دانیم آیا وی تصنیفی مستقل داشته که از آن تحدیث کرده است؟ یا این روایت را از اجزاء و مجموعه میراث حدیثی‌ای که از استادان خود داشته و به شکل کتاب هم درنیامده بوده، نقل می‌کند یا آنکه اساساً نقل وی نقل شفاهی است؟ (اگر چه این احتمال اخیر دور از ذهن می‌نماید.)

## ۲. سفر ابن قولویه به «عسکر مکرّم»

در سندی از کامل زیارات چنین می‌خوانیم:

حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَسْكَرِيُّ بِعَسْكَرِ مُكْرَمٍ عَنِ  
الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي  
حَمْرَةَ الشَّامِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ ... (ابن قولویه، ۱۴۲۹: باب ۸۴/۴۳۷، ح ۲)

ابن قولویه در یک سند دیگر نیز به سماع از ابو عبد الرحمن العسکری در «عسکر» که باید مراد همان «عسکر مکرّم» باشد، تصریح می‌کند. (همان: باب ۹۳/۴۷۴، ح ۱۲)

«عسکر مکرّم» شهری بزرگ از شهرهای خوزستان بوده است که در روزگار حجاج بن یوسف ثقفی والی عراق (ح: ۷۵-۹۵ ه.ق) در نزدیکی شوشتر کنونی بنیان‌گذاری شد و رفته‌رفته بر شکوه آن افزوده گشت. فراوانی نعمت و آبادانی این شهر در سده‌های نخستین زبان‌زد بوده است.<sup>۱۳</sup>

پس ابن قولویه سفری به شهر: «عسکر مکرّم» داشته و در آنجا از استادش اجازه روایت بخشی از میراث حدیثی علی بن مهزیار را- که می‌دانیم کتاب‌هایش در شمار کتاب‌های مهم و مرجع شیعه بوده است- دریافت کرده بود و البته می‌دانیم علی بن مهزیار کتاب‌هایی متعدّد

داشته است از جمله کتاب المزار. (نجاشی، ۱۴۲۴: ۲۵۳، ش ۶۶۴) شاهد مهم دیگر بر این مطلب آن است که به جز مورد یاد شده، ابن قولویه در موارد متعددی روایاتی را با سند: «محمّد بن احمد بن الحسين العسكري عن الحسن بن علی بن مهزیار عن ابيه» نقل می‌نماید<sup>۱۴</sup> که در این نقل‌ها راویان پس از «علی بن مهزیار» تغییر می‌کنند و همیشه یکسان نیستند.

از سوی دیگر یکی از طرق نجاشی به آثار «علی بن مهزیار» چنین است: «أخبرنا محمد بن محمد والحسن بن عبد الله والحسين بن أحمد بن موسى بن هليدة عن جعفر بن محمد عن محمد بن الحسن بن علي عن أبيه عن جده بكتبه.» (نجاشی، ۱۴۲۴: ۲۵۳)

و شایان ذکر است که ابن قولویه در کامل الزیارات بارها با سند «محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار عن ابيه عن جدّه» روایات متعددی را گزارش کرده است<sup>۱۵</sup> که به نظر می‌رسد همگی برگرفته از کتاب‌های علی بن مهزیار باشند. پس ابن قولویه دست‌کم دو طریق به میراث روایی علی بن مهزیار داشته است، اگر چه نمی‌دانیم آیا دیدار وی با «محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار» نیز در همین «عسکر مکرم» روی داده است یا نه؟

خلاصه آن‌که: نگاشته‌های علی بن مهزیار و به طور مشخص «کتاب المزار» وی یکی از منابع مهم کامل الزیارات بوده که ابن قولویه به گستردگی و با دو طریق از آن بهره برده که دست‌کم یکی از این دو طریق را در سفر به (عسکر مکرم) اجازه گرفته است.

### ۳. سفر ابن قولویه به «مصر»

نجاشی به هنگام یادکرد طریق خود تا کتاب «جعفر بن یحیی بن العلاء أبو محمد الرازی» می‌نویسد: «أخبرنا محمد بن محمد بن النعمان قال: حدّثنا جعفر بن محمد بن قولویه قال: حدّثنا محمد بن أحمد بن سليم الصابوني بمصر قال: حدّثنا موسى بن الحسين بن موسى قال: حدّثنا جعفر بن يحيى بن العلاء.» (نجاشی، ۱۴۲۴: ۱۲۶)







### ۱-۳. روایت ابن قولویه از «محمد بن احمد الصابونی»

طبق این روایت ابن قولویه سفری هم به مصر رفته بود. اما وی در این سفر از کدام مشایخ حدیث بهره برده است؟ یکی از این مشایخ همان کسی است که نام وی در این سند آمده است. وی در واقع کسی نیست جز «محمد بن احمد بن ابراهیم بن سلیمان أبو الفضل الجعفی الکوفی المعروف بالصابونی»<sup>۱۶</sup> که از فقیهان معروف و پر تألیف شیعه در سده چهارم بوده است. وی نویسنده کتاب گرانسنگ الفاخر بود که متأسفانه چیزی از آن بر جای نمانده است ولی برخی اقوال وی در منابع فقهی پسین در دسترس است.<sup>۱۷</sup> به گفته نجاشی وی نخست زیدی بود و سپس به مذهب امامی گروید و در مصر اقامت گزید و در آنجا منزلتی ارجمند یافت. (نجاشی، ۱۴۲۴: ۳۷۴) گفتنی است نام نیای وی «سلیمان» گاه مانند عبارت یاد شده در بالا به «سلیم» تغییر یافته است.<sup>۱۸</sup> ابن قولویه اجازه روایت برخی از کتاب‌های الصابونی را از وی دریافت کرده بود (نجاشی، ۱۴۲۴: ۳۷۵) که ظاهراً این کسب اجازه باید در همان مصر واقع شده باشد.

همچنین ابن قولویه با واسطه ابو الفضل الصابونی کتاب حاتم بن اسماعیل المدنی (همان: ۱۴۷) را نیز روایت کرده است. طریق نجاشی به کتاب حاتم چنین است: «أخبرنا عدة عن جعفر بن محمد، عن محمد بن أحمد بن إبراهيم بن سليمان، عن أبي عبد الله الحسن بن علي بن الحسن العلوي الحسيني، عن أبيه، عن حاتم بن إسماعيل، عن جعفر بن محمد بكتابه» (همان)

باری! اینک باید بیفزاییم که ابن قولویه دو حدیث از احادیث کامل زیارات را از ابو الفضل الصابونی گزارش می‌کند؛ وی در یک مورد می‌گوید:

حَدَّثَنِي أَبُو الْفَضْلِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ الْأَشْعَثِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ زَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ

كَمْ هَاجَرَ إِلَى فِي حَيَاتِي فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا فَاذْعَبُوا إِلَى السَّلَامِ فَإِنَّهُ يَبْلُغُنِي.

(ابن قولویه، ۱۴۲۹: باب ۲ / ۴۶، ح ۱۷)

و در سند دیگری چنین می‌آورد:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّيْدِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبَّاسٍ وَ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ حَرْبٍ جَمِيعًا قَالُوا<sup>۱۹</sup> حَدَّثَنَا مَنْ سَمِعَ بَكْرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْمُزْنِيَّ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ الْحُصَيْنِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ... (همان: باب ۱۴ / ۱۱۲، ح

۲)

در بارهٔ سند نخست باید بگوئیم چنان‌که پیداست این سند همان طریق بدیه کتاب الأشعثیات (الجعفریات) است که محمد بن محمد الأشعث آن را روایت می‌کرده است و حدیث یاد شده اکنون عیناً با همین سند (از محمد بن محمد الأشعث تا رسول اکرم ﷺ) و همین متن در الأشعثیات موجود است.<sup>۲۰</sup> (کوفی، [بی‌تا]: ۷۶) ابن قولویه در جایی دیگر نیز روایتی را با واسطهٔ دیگر استادش «عبیدالله بن الفضل بن محمد بن هلال» از همین محمد بن محمد بن الأشعث با همین طریق یاد شده در الأشعثیات گزارش می‌کند که آن حدیث نیز هم‌اکنون در الأشعثیات موجود است.<sup>۲۱</sup>

بنابراین ابن قولویه - علاوه بر آثاری که در فهرس بدان تصریح شده بود و در بالا بدان اشاره کردیم - همه یا بخشی از کتاب الأشعثیات (الجعفریات) را نیز با واسطهٔ ابوالفضل الصابونی روایت می‌کرده است و شاید خود الصابونی نیز این حدیث را در برخی آثارش - که ابن قولویه اجازهٔ آنها را از وی دریافت نموده بوده - نقل کرده باشد ولی به هرحال باید گفت منبع اصلی این حدیث همین الأشعثیات است. پس تا اینجا می‌توان گفت: کتاب الجعفریات یکی از منابع کامل الزیارات بوده است.

در بارهٔ سند دوم روشن است که روایتی است که از نگاشته‌های حدیثی الصابونی نقل می‌شود که ابن قولویه یکی از راویان مهم آن بوده است. پس برخی نگاشته‌های ابوالفضل الجعفی صاحب الفاخر را نیز باید در شمار منابع کامل الزیارات نام ببریم. اما در اینجا یک



پرسش شایان بررسی است: «الحسین بن علی الزیدی» که در این سند دوم از پدرش نقل می‌کند و استاد الصابونی بوده است، کیست؟ پاسخ را باید در طریق نجاشی به کتاب حاتم بن اسماعیل المدنی جست که پیشتر متن کامل آن را آوردیم. در آنجا ابن قولویه از الصابونی از «أبی عبدالله الحسین بن علی بن الحسن العلوی الحسینی، عن أبيه» روایت می‌کرد که به نظر می‌رسد همین کسی است که در این سند دوم می‌بینیم. لقب «العلوی الحسینی» وی به روشنی نشان‌دهنده انتساب وی به فرزندان امام سجّاد علیه السلام است.

### ۲-۳. روایت ابن قولویه از «أبو عیسی عبیدالله بن الفضل الطائی النبهانی»

پرسش دیگری که جای تأمل دارد این است که آیا ابن قولویه به جز الصابونی از استاد دیگری هم در مصر کسب روایت کرده است؟

به نظر می‌رسد پاسخ مثبت است. در توضیح باید بگویم که یکی از استادان ابن قولویه که از وی در کامل الزیارات روایت نقل شده است، راوی جلیل القدری است به نام «أبو عیسی عبیدالله بن الفضل بن محمد بن الهلال الطائی النبهانی».<sup>۲۲</sup> هر چند در جایی تصریح ابن قولویه به سماع از وی در مصر را ندیده‌ایم ولی نجاشی درباره وی می‌نگارد: «أصله کوفی انتقل إلى مصر وسکنها». (نجاشی، ۱۴۲۴: ۲۳۲، ش ۶۱۶) در سندی از فضائل الأشهر الثلاثة صدوق نیز درباره وی آمده است: «وَ كَانَ أَهْلُ مِصْرَ يَسْمُونَهُ شَيْطَانَ الطَّاقِ لِإِيْمَانِهِ رَحِمَهُ اللَّهُ». (ابن بابویه، ۱۳۹۶: ۳۲، ح ۱۴) راویان دیگری نیز هستند که به سماع از «عبیدالله بن الفضل» در مصر تصریح کرده‌اند.<sup>۲۳</sup> بنابراین می‌توان با اطمینان گفت ابن قولویه نیز از وی در مصر سماع نموده است.

پس میراث مکتوب عبیدالله بن الفضل الطائی نیز از دیگر منابع کامل الزیارات بوده است که از آن سه روایت در کامل الزیارات گزارش شده است.<sup>۲۴</sup> اسناد این روایات پس از عبیدالله کاملاً متفاوت است و این به روشنی نشان‌دهنده اخذ این روایات از کتاب اوست. وی نگاشته‌ای داشته است که نجاشی درباره آن می‌نویسد: «له کتب، منها: زهر الریاض، کتاب حسن کثیر الفوائد.» (نجاشی، ۱۴۲۴: ۲۳۲)

در این جا باید به این نکته نیز توجه کنیم که در نسخهٔ رایج رجال نجاشی، هنگام ذکر طریق وی به کتاب الوصیة عیسی بن المستفاد می خوانیم: «رواه شیوخنا عن أبی القاسم جعفر بن محمد قال: حدثنا أبو عیسی عبید الله بن الفضل بن هلال بن الفضل بن محمد بن أحمد بن سلیمان الصابونی قال...» (همان: ۲۹۸، ش ۸۰۹) ولی تردیدی نیست که عنوان اخیر تحریف شده و به جهت خطای کاتب و تصحیف «و» به «بن» نام دو استاد ابن قولویه با هم ترکیب گشته و نام جدیدی تولید شده است. پس شکل صحیح عنوان اخیر چنین باید باشد: «... حدثنا أبو عیسی عبید الله بن الفضل بن هلال و محمد بن أحمد بن سلیمان الصابونی قال...»

### ۳-۳. روایت ابن قولویه از «أبو علی احمد بن علی الرقی الانصاری»

تا اینجا با دو تن از مشایخ مصری ابن قولویه آشنا شدیم. اما ابن قولویه در کامل الزیارات از یک راوی دیگر نیز روایت کرده است که با بحث ما بدون ارتباط نیست. وی: «أبو علی احمد بن علی بن مهدی بن صدقة بن هشام بن غالب بن محمد بن علی الرقی الانصاری» است. ابن قولویه در یک مورد از او نقل دارد و زیارت معروف «امین الله» را از او با این سند گزارش کرده است:

حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَهْدِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ صَدَقَةَ الرَّقِيِّ قَالَ  
حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ  
قَالَ... (ابن قولویه، ۱۴۲۹: باب ۱۱/۹۲)

نجاشی در ترجمه پدر احمد در رجال خود چنین نوشته است:

علی بن مهدی بن صدقة بن هشام بن غالب بن محمد بن علی الرقی الانصاری؛  
أبو الحسن. له كتاب عن الرضا عليه السلام، أخبرنا محمد بن عثمان قال: حدثنا أبو علي  
أحمد بن علي بن مهدی بالرملة قراءة عليه قال: حدثنا أبي قال: حدثنا الرضا عليه السلام.

(نجاشی، ۱۴۲۴: ۲۷۷-۲۷۸)

بر اساس داده های نجاشی وی راوی نسخه ای از پدر خود بوده که در بردارنده



مجموعه‌ای از مسموعات پدرش از امام رضا علیه السلام بوده است. شیخ طوسی در رجال خود با یادکرد نسب کامل أحمد نکته‌ جدیدی را درباره‌ این نسخه فراید می‌نهد و می‌نویسد: «سمع منه التلعکبری بمصر سنة أربعين و ثلاثمائة عن أبيه عن الرضا [عليه السلام]، و له منه إجازة»<sup>۲۶</sup>، منابع سنّی نیز این نسخه را می‌شناخته‌اند و در مواردی از آن گزارش کرده‌اند.<sup>۲۷</sup>

حال روشن شد که تلعکبری این نسخه را از احمدبن علی در «مصر» اجازه گرفته بود. استاد نجاشی نیز - چنان‌که در عبارت وی دیدیم - این نسخه را در «الرملة» شنیده بود.<sup>۲۸</sup> لقب «الرملی» هم که برای «احمد» در برخی منابع متقدم به کار رفته است<sup>۲۹</sup> ظاهراً به مفهوم حضور قابل توجه وی در شهر «الرملة» است. دیگر راوی شیعی معاصر ابن قولویه یعنی علی بن بلال المهلبی نیز درست همین زیارت را از «أحمد بن علی بن مهدی الرقی» در مصر شنیده بود. (ابن طاووس، [بی تا]: ۴۳) از سوی دیگر هیچ قرینه‌ای در دست نیست که نشان دهد أحمد بن علی بن مهدی الرقی به بغداد یا اطراف آن سفر نموده باشد، پس علی القاعده باید گفت ابن قولویه در سفر خود به مصر در یکی از شهرهای آن منطقه با أحمد بن علی بن مهدی الرقی دیدار داشته و این زیارت را از نسخه‌ای که وی با واسطه پدرش از امام رضا علیه السلام روایت می‌کرده، سماع نموده و اجازه گرفته است.

پس صحیفه امام رضا علیه السلام به روایت أحمد بن علی بن مهدی الرقی از پدرش از آن حضرت نیز از دیگر منابع کامل زیارات بوده که نقل از آن را می‌توانیم یکی از رهاوردهای سفر ابن قولویه به مصر به شمار آوریم.

همچنین اگر بپذیریم أحمد بن علی بن مهدی تا سال ۳۴۰ هـ ق زنده بوده است، (طوسی، ۱۴۲۷: ۴۱۰؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۶۴/۱) از این روایت وی از امام رضا علیه السلام - که به سال ۲۰۳ هـ ق به شهادت رسیدند - با واسطه پدرش نشان می‌دهد که یا وی و یا پدرش و یا شاید هر دو از معمرین بوده‌اند.

یادکردن نجاشی از علی بن مهدی نشان می‌دهد وی او را شیعه می‌دانسته است. مضامین



روایاتی که وی (علی بن مهدی) نقل کرده است - مانند زیارت امین الله - نیز اجمالاً این مطلب را تأیید می نماید. حال آیا اعتماد ابن قولویه به این طریق برای نقل این زیارت با توجه به سخن وی در مقدمه کامل الزیارات<sup>۳۰</sup> نشان می دهد وی این سند و به طور خاصّ أحمد بن علی بن مهدی را به عنوان یک شخصیت امامی مذهب قابل اعتماد می شناخته است؟ این احتمالی است که دور از ذهن نمی نماید، ولی سخن نهایی در این زمینه را باید در مجالی دیگر پی گرفت.

### ۳-۴. روایت ابن قولویه از «ابوالحسین بن عبدالله الناقد»

اکنون که دامنه سخن به این جا رسید، شایسته است درباره یک استاد دیگر ابن قولویه نیز سخن بگویم که به نظر می رسد با موضوع مسافرت های ابن قولویه پیوند دارد.

ابن قولویه در سندی از کامل الزیارات می گوید: «حَدَّثَنِي النَّاقِدُ أَبُو الْحُسَيْنِ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ...»<sup>۳۱</sup> (ابن قولویه، ۱۴۲۹: باب ۱۷/۱۳۱، ح ۸) ولی در ادامه کتاب در دو جای دیگر چنین می آورد: «حَدَّثَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاقِدُ قَالَ...» (همان: باب ۲۱/۱۴۲، ح ۲ و باب ۲۳/۱۵۳، ح ۱۵)

وی سپس در دنباله کتاب دو حدیث نقل کرده است که در نسخه های چاپی موجود از کامل الزیارات به دو شکل مختلف نقل شده است. حدیث دوم و سوم از باب ۲۴ کامل الزیارات بر پایه چاپ مبنای این نوشته - تحقیق استاد جواد قیومی - به ترتیب چنین است:

حَدَّثَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاقِدُ قَالَ ... « وَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاقِدُ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو مَعْشَرَ عَنِ الرَّهْرِيِّ قَالَ: لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ لَمْ يَبْقَ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ حَصَاةٌ إِلَّا وَجِدَتْ تَحْتَهَا دَمٌ عَيْطٌ. (همان: باب ۲۴/۱۶۰-۱۶۱، ح ۲ و ۳)

اما بر پایه نسخه ای که به کوشش مرحوم علامه امینی به چاپ رسیده است و نیز نسخه چاپ شده از سوی استاد بهزاد جعفری و همچنین نسخه خطی موجود در کتابخانه آیت الله

فاضل خوانساری و نیز مدینه‌المعاجز مرحوم بحرانی و بحار الأنوار علامه مجلسی به نقل از کامل الزیارات در هر دو مورد نام ابوالحسین «أحمد» ضبط شده است.<sup>۳۲</sup>

حال پرسش این است که کدام یک از این دو نام درست است و اساساً این عنوان متعلق به کدام راوی است؟ برای یافتن پاسخ نخست باید بگوییم که این عنوان چه با نام «محمد» و چه با نام «أحمد» در رجال شیعه شناخته شده نیست. پس آیا احتمال دارد وی کسی از مشایخ عامّه باشد؟

### ۳-۴-۱. بررسی مذهب «ابوالحسین بن عبدالله الناقد»

برای پاسخ به این پرسش شایسته است نخست چند نکته را درباره پنج روایتی که ابن قولویه از این شخص گزارش کرده است، مدنظر قرار دهیم. نخست آنکه سند هیچ یک از این روایات به رسول اکرم یا یکی از ائمه معصومین علیهم الصلاة والسلام نمی‌رسد.<sup>۳۳</sup>

همچنین در سند هیچکدام هم نام کسی از روایان شیعی دیده نمی‌شود.

دیگر آنکه مضمون این روایات هم از جمله مضامین خاصی که تنها در میان شیعه رواج داشته - مانند تأکید بر زیارت امام حسین علیه السلام به عنوان حجت الهی و امام مفترض الطاعة و معارفی از این دست - نیست. بلکه مضمون یک گزارش اخبار ملائکه به حضرت رسول اکرم مبنی بر شهادت امام حسین علیه السلام و تسلیت به آن حضرت و نفرین آن حضرت بر قاتل فرزندان و سرانجام اخبار راوی پایانی حدیث از سرانجام قاتلان حضرت است.<sup>۳۴</sup> در گزارش دیگر کعب الأحبار از لعنت شدن قاتل امام حسین علیه السلام از سوی انبیای پیشین و دستور ایشان به پیروانشان مبنی بر لعن قاتل حضرت سخن می‌گوید.<sup>۳۵</sup> نقل سوم اخبار جناب ابوذر رضوان الله علیه هنگام تبعید به ربه به شهادت امام حسین علیه السلام و تأثیر عظیم آن بر موجودات عالم خلقت است.<sup>۳۶</sup> در چهارمین خبر، شخصی از اهالی بیت المقدس از پدیده‌های خارق‌العاده‌ای که در زمان شهادت امام حسین علیه السلام در آن منطقه رخ داد - مانند جوشیدن خون تازه از زیر سنگ‌ها و سرخ شدن دیوارها و خورشید گرفتگی و مانند آن - سخن می‌گوید<sup>۳۷</sup> و بالآخره در پنجمین نقل، زهری خبر می‌دهد آنگاه که

امام علیه السلام به شهادت رسید، زیر هر کلوخی در منطقه بیت المقدس خون تازه دیدند.<sup>۳۸</sup> می دانیم که این مضامین از جمله مطالبی است که میان راویان و منابع کهن سنّی رایج بوده و به فراوانی آن‌ها را نقل می کرده‌اند.<sup>۳۹</sup> پس ابن قولویه هیچ مضمون خاصّ شیعی را - که در ابواب گوناگون کامل الزیارات به فراوانی یافت می شود - از این ابوالحسین الناقد گزارش نکرده است. اما این ابوالحسین الناقد کیست؟

ذهبی در تاریخ الإسلام در ذیل وفیات سال ۳۳۹ هـ ق به نقل از مورخ بزرگ مصری سده چهارم «ابن یونس المصری» (۲۸۱-۳۴۷ هـ ق) نام و شرح حال یکی از محدّثان مصر را به این شکل گزارش می کند: «أحمد بن عبد الله بن علی، أبو الحسن المصری الناقد. سمع: بكارين قتيبة، والربيع بن سليمان، وعبد الله بن أبي مريم. وعنه: عبد الرحمن ابن النحاس، وجماعة. قال ابن يونس: كان ثقة ظريفاً، توفي في صفر. وعنه أيضاً: ابن جميع وعلی بن محمد الحلبي.» (ذهبی، ۲۰۰۳: ۷/۷۲۳)

«ابن جمیع» که در این عبارت اخیر نامش آمده است همان «أبو الحسن المصری» است. محدّثان مشهور سنّی می باشد که کتاب معجم الشیوخ وی معروف است. وی در این کتاب به نام استادش ابوالحسین الناقد این گونه اشاره کرده است: «أحمد بن عبد الله بن علی بن إسحاق أبو الحسن الناقد» و سپس حدیثی به نقل از وی با سندش تا رسول اکرم صلی الله علیه و آله می آورد: «أخبرنا أحمد بن عبد الله بمصر، حدّثنا الربیع بن سليمان المرادی...» (صیداوری، ۱۴۰۵: ۱۹۵)

طبقه روایی ابوالحسین الناقد (م ۳۳۹ هـ ق) درست بر طبقه استادان ابن قولویه منطبق است و سکونت وی در مصر نیز با توجه به این گزارش قطعی است و شاید دقیقاً به جهت همین نزدیکی وی به منطقه بیت المقدس، ابن قولویه ترجیح داده در موضوع خوارق عاداتی که پس از شهادت امام حسین علیه السلام در آن منطقه روی داده از ابوالحسین الناقد نقل کند زیرا به هر حال وی خود، اهل همان حوالی بوده و علی القاعده با تاریخ و تحولات آن منطقه







بیش از دیگران آشنا بوده است، چنان‌که از مضامین دو روایت وی در باب ۲۴ کامل الزیارات هویدا است. با توجه به مجموع این قرائن وی باید همان کسی باشد که ابن قولویه از او گزارش کرده است، به ویژه آن‌که نام و نام پدر و نام جد و کنیه و لقب وی هم دقیقاً با اسناد اصیل کامل الزیارات یکسان است و این اندازه اشتراک در مشخصات عادتاً جز در یک نفر جمع نمی‌شود. و از همین جا روشن گشت که نام وی «أحمد» است، نه «محمد» (که در برخی اسناد تصحیف شده آمده است).

برای تکمیل داده‌ها درباره این شخص باید بیفزاییم که نام «ابوالحسین الناقد» در اسناد برخی منابع حدیثی و رجالی متقدم عامه در ضمن سلسله سند یا تراجم راویان سنّی دیده می‌شود.<sup>۴۰</sup> بنابراین تا اینجا همه قرائن به روشنی حاکی از سنّی بودن اوست.

هم‌چنین در پایان این بخش این نکته گفتنی است که با توجه به درگذشت ابوالحسین الناقد در سال ۳۳۹ هـ.ق می‌توان اذعان کرد سفر ابن قولویه به مصر در این سال یا پیش از آن انجام گرفته بوده است و این تاریخی است که با تاریخ سماع هارون بن موسی تلّعبیری و برخی دیگر از راویان از أحمد بن علی بن مهدی - دیگر راوی حاضر در منطقه مصر و شامات که براساس توضیحات قبل ظاهراً ابن قولویه در همین سفر به مصر از وی هم سماع داشته است - در سال ۳۴۰ هـ.ق تأیید می‌شود.<sup>۴۱</sup>

### ۳-۴-۲. نقد پنداره مسافرت ابوالحسین الناقد به بغداد

پس از پایان این بخش متوجه شدم در کتاب عالمان شیعه (ابوالحسنی، ۱۳۸۶، ۲: ۹۵) مدخلی برای ابن ابوالحسین الناقد اختصاص یافته است و اگرچه این عنوان را به درستی بر شخص مورد نظر ما تطبیق داده‌اند ولی وی را یکی از محدّثان امامی قلمداد نموده‌اند و اشاره‌ای به عبارت ابن یونس - که از زبان ذهبی آوردیم - و سخن ابن جمیع نکرده‌اند. هم‌چنین مدعی شده‌اند که سماع ابن قولویه در بغداد واقع شده بوده است و گفته‌اند ابوهارون العبسی (ابن قولویه، ۱۴۲۹: باب ۲۱/ح ۲) و عبدالرحمن السلمی (همان: باب ۲۳/ح ۱۵؛ باب ۲۴/ح ۲) - که ابوالحسین الناقد در برخی روایات کامل الزیارات از آنها

نقل می‌کند- شیعه بوده‌اند، در حالی که با توجه به آنچه گذشت اولاً باید گفت امامی بودن وی منتفی است، ثانیاً سماع ابن قولویه هم در مصر واقع شده بوده است، همانگونه که برخی شاگردان دیگر الناقد هم به سماع از وی در مصر تصریح کرده‌اند<sup>۲۴</sup> و هیچ قرینه‌ای - دست کم بر پایه منابع موجود - در دست نیست که نشان دهد وی اساساً از مصر خارج شده یا به مراکز اصلی علمی آن روز جهان اسلام مانند بغداد سفر کرده است و به نظر می‌آید دقیقاً به همین خاطر است که داده‌های منابع تراجم‌نگاری سنی از وی نیز بسیار اندک و منحصر به کلمات همشهری وی یعنی ابن‌یونس و یا اشاره به حضور ابوالحسین الناقد در اسناد مرویات برخی مشایخ سنی است. دلیلی هم در دست نداریم که نشان دهد آن دو تن که به عنوان استاد «الناقد» معرفی شده‌اند، امامی مذهب بوده باشند بلکه این قرینه که از آنها هیچ نام و نشانی حتی در یک سند امامی دیده نمی‌شود، مؤید عامی بودن آنهاست. اکنون روشن شد میراث حدیثی روایت شده از سوی ابو الحسن الناقد - محدث مصری اهل سنت - را نیز باید در شمار منابع کامل الزیارات به حساب آوریم.



## نتیجه‌گیری

۱. ابن قولویه در سفر به شهر ری از «الحسین بن علی الزعفرانی» کسب حدیث کرده است. وی به گمان بسیاری از مشایخ عاقله بوده است.
۲. ابن قولویه در سفر به عسکر مکرم اجازه میراث روایی علی بن مهزیار و به طور ویژه کتاب المزار وی را از «أبو عبدالرحمن محمد بن أحمد بن الحسين العسكري» دریافت داشته و از این میراث حدیثی - با این طریق روایتی - در کامل الزیارات بسیار گزارش کرده است.
۳. ابن قولویه در مصر نیز از چهار تن از مشایخ حاضر در آن سرزمین حدیث شنیده بوده است که روایات آنها هم در گستره‌ای اندک در کامل الزیارات دیده می‌شود.
۴. اگرچه مجموعه روایاتی که ابن قولویه از این مشایخ مصری - و نیز الحسین بن علی الزعفرانی که از وی در «ری» حدیث شنیده بود - در کامل الزیارات آورده است انگشت شمارند ولی باید توجه داشت که متأسفانه حجم عمده میراث علمی این محدث عالی مقام از میان رفته است و از این رو با اطمینان می‌توان گفت اگر علاوه بر کامل الزیارات، دیگر کتاب‌های وی نیز در دست بود، اینک ما حجم به مراتب بیشتری از روایات این مشایخ را - و شاید مشایخ دیگری از سرزمین مصر و احتمالاً مناطق دیگری جز آن که نامشان در کامل الزیارات دیده نمی‌شود - در اختیار داشتیم زیرا بعید به نظر می‌رسد که ابن قولویه رنج سفر طاقت‌فرسا و دور و دراز از بغداد تا مصر را آن هم در شرایط آن روزگار بر خود هموار سازد و پس از رسیدن به مصر به سماع چند حدیث معدود بسنده نماید و سپس به موطن خود بغداد بازگردد!



## بی نوشت‌ها

۱. علاوه بر چاپ تحقیق شده از سوی آقای قیومی که مبنای ارجاعات این نوشته است ر.ک: کامل الزیارات، تحقیق مرحوم علامه امینی، ص ۶۱، ح ۷؛ و همان، تحقیق آقای بهراد جعفری، ص ۱۳۶، ح ۷.
۲. کامل الزیارات، نسخه خطی کتابخانه آیت الله فاضل خوانساری، ش ۱۷۶، ص ۱۱۵.
۳. صدوق با دو واسطه از شخصی به نام «الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ الزَّعْفَرَانِيِّ» نقل دارد. (۱۳۷۶: ۳۱۲) نجاشی هم با سه واسطه از شخصی با عنوان «الحسين بن علي بن الحكم أبو عبد الله الأسدي الزعفراني» در ضمن طریق خود به یک راوی روایت دارد (۱۴۲۴: ۲۵۶) ولی طبقه این دو عنوان بر طبقه استادان ابن قولویه سازگار نیست و نمی دانیم آیا این دو عنوان مربوط به یک نفرند یا نه؟
۴. ر.ک: مرعشی نجفی، [بی تا]: ۲۶۶/۱۱ به بعد، به نقل از منابع کهن عامه.
۵. درباره وی ر.ک: مغلطای بن قلیچ، ۱۴۲۲: ۵۸/۸.
۶. درباره وی ر.ک: ذهبی، ۱۴۰۵: ۳۰۷/۹-۳۰۸ و منابع یاد شده در پاورقی مصححان.
۷. هروی، [بی تا]: ۳۰۵/۱؛ اسکندر المعلوف، عیسی (۱۹۶۶م)، «معجم تحلیل أسماء الأعلام الشخصية و تاریخها»، مجله المشرق، سال ۶۰، شماره ۲، ص ۵۲؛ فتوحی، ۱۴۲۵: ۶۴.
۸. فردی به نام «الحسن بن مُحَمَّد بن الصباح الزعفراني» در نمایه شاگردان وی آمده است (مرّی، [بی تا]: ۳۶۷/۳۱) که معلوم است نمی تواند راوی مورد نظر ما باشد.
۹. به قرینه اینکه وی از سعد بن عبدالله الأشعري (م ۳۰۱/۲۹۹ هـ) دو یا چهار روایت شنیده بوده است (نجاشی، ۱۴۲۴: ۱۲۳ و ۱۷۸) و با این فرض که در آن هنگام باید دست کم حدود ۷-۸ سالش بوده باشد.
۱۰. درباره وی ر.ک: مرّی، [بی تا]: ۱۹۴/۲۶-۱۸۰.
۱۱. بصری، ۱۴۱۰: ۳۹۲/۱، ۵۰/۳، ۲۵۴/۴؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۷۱/۱۶، ۵۱۶/۳۹ و...
۱۲. برای نمونه: بصری، ۱۴۱۰: ۱۵۹/۱، ۸۱، ۲۲۳، ۱۳۶/۲ و...
۱۳. از آنجا که غلام حجاج بن یوسف به نام «مُکَرَّم» در آن منطقه اردو زده بود، این شهر به نام وی مشهور گشت. درباره این شهر ر.ک: مقدسی، ۱۴۱۱: ۴۰۹-۴۱۰. اکنون از این شهر جز ویرانه هایی بر جای نمانده است.
۱۴. ابن قولویه، ۱۴۲۹: باب ۸/ح ۱۵ و ۱۶؛ باب ۹/ح ۹ و ۱۰؛ باب ۲۵/ح ۲؛ باب ۳۳/ح ۷؛ باب ۴۷/ح ۴؛ باب ۴۸/ح ۲؛ باب ۷۶/ح ۶؛ باب ۷۹/ح ۲۳؛ باب ۸۵/ح ۱؛ باب ۸۶/ح ۱؛ باب ۸۷/ح ۱ (که ظاهراً دنباله روایت مفصّلی باشد که به ترتیب در باب ۷۹ و ۸۶ ذکر شده است).
۱۵. ابن قولویه، ۱۴۲۹: باب ۴۱/ح ۵؛ باب ۵۶/ح ۸؛ باب ۶۴/ح ۱؛ باب ۶۸/ح ۱؛ باب ۷۳/ح ۷ و ۷۶، ح ۱۳ و ص ۷۷، ح ۱۴؛ باب ۲۸/ح ۱۸۸، ح ۲۷ در این مورد اخیر دارد که: «حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ





مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ» که غریب می‌نماید زیرا در موارد دیگر وی بدون واسطه از مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ مَهْزِيَارَ روایت کرده است. زائد بودن واژه «أبي عن» در اینجا کاملاً محتمل است.

۱۶. برای یک تک نگاری مفید و جامع درباره وی ر.ک: خزرچی، ۱۴۱۹: ۱۱-۳۵۷/۱۲ به بعد.

۱۷. ر.ک: منبع پیشین.

۱۸. برای نمونه‌ای دیگر ر.ک: طوسی، ۱۴۲۰: ۵۴۵.

۱۹. در نسخه مورد استفاده ما «قال» بود ولی ظاهراً «قالا» صحیح باشد.

۲۰. ابن اشعث کوفی، [بی‌تا]: ۷۶.

۲۱. ر.ک: طوسی، [بی‌تا]: ۱۶/۲۶۶-۲۶۵، ح ۱۱۵ و قس با: ابن اشعث کوفی، [بی‌تا]: ۱۱۸.

۲۲. درباره وی ر.ک: نجاشی، ۱۴۲۴: ۲۳۲؛ تستری، ۱۴۰: ۸۹/۷ و ۹۲.

۲۳. ر.ک: نجاشی، ۱۴۲۴: ۶۰، ش ۱۳۷-۱۳۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۷: ۴۳۱، ش ۶۱۸۵؛ شیخ طوسی،

۱۴۱۴: ۶۱۰، ح ۹، بخوانید: «الفسطاط» به جای: «القسطاس» چه این که می‌دانیم «الفسطاط» از شهرهای معروف مصر بوده است.

۲۴. ابن قولویه، ۱۴۲۹: باب ۱۳۳/۱۷، ح ۱۱۰ و ۱۱؛ باب ۲۷۵/۵۷، ح ۶؛ باب ۸۸ / حاشیه حدیث ۱ (زیادات حسین بن المغیره).

۲۵. در چاپ مورد استفاده ما (تحقیق آقای قیومی): «حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيٍّ مَهْدِيِّ بْنِ صَدَقَةَ الرَّقِّيِّ» آمده است ولی با توجه به نسب کامل أحمد که نجاشی بدان تصریح کرده، صحیح همان چیزی است که در متن آمده است؛ همچنان که در نسخه خطی کامل الزیارات موجود در کتابخانه آیت الله فاضل خوانساری، ص ۷۵ چنین آمده است: «حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيٍّ بْنِ مَهْدِيِّ بْنِ صَدَقَةَ الرَّقِّيِّ».

۲۶. شیخ طوسی، ۱۴۲۷: ۴۱۰. برای برخی منابع شیعی متقدم دیگر که از این نسخه نقل کرده‌اند: ر.ک: عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱ ص ۲۶۱؛ دلائل الإمامة، ص ۱۰۲؛ نوادر المعجزات، ص ۱۸۱؛ الأمالی طوسی، ص ۱۶۴، ۴۴۸ (تحذیر در حلب) و ص ۵۶۸؛

۲۷. برای آگاهی بیشتر ر.ک: مجله کتاب ماه دین، ش ۷۰-۷۱؛ مرداد و شهریور ۱۳۸۲ ش، مقاله: «صحیفة الرضا علیه السلام به روایت شیخ صدوق و ابو عبد الرحمان سلمی»، ص ۶۴ از استاد محمد کاظم رحمتی؛ برای منابع سنی دیگر که از این نسخه نقل یا بدان اشاره کرده و گاه به مکان تحدیث نیز تصریح نموده‌اند ر.ک: آداب الصحبة از ابو عبد الرحمن السلمی، ۹۷-۹۸؛ العسل المصنّفی من تهذیب زین الفتی فی شرح سورة هل ائی، ج ۲ ص ۲۶۱؛ تفسیر الثعلبی، ج ۸ ص ۳۱۱ و ج ۱۰، ص ۲۷۸ (تحذیر در: «المرملة» در هر دو مورد)؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۱۲؛ التدوین فی أخبار قزوین: ج ۳ ص ۳۴؛ الموضوعات ابن

- الجوزی، ج ۱ ص ۴۲۳؛ میزان الاعتدال، ج ۱ ص ۱۲۰؛ شواهد التنزیل، ج ۱ ص ۴۶۴؛ ذم الکلام و أهله، ج ۱ ص ۹۹؛ الزيادات علی الموضوعات سیوطی: ج ۱ ص ۲۵۶ و ج ۲ ص ۷۰۳.
۲۸. شهری در نزدیکی بیت المقدس در فلسطین اشغالی.
۲۹. برای نمونه: تاریخ بغداد، ج ۳ ص ۳۰۵.
۳۰. کامل الزیارات، ص ۳۷: « و لا أخرجت فيه حديثاً روي عن الشاذل من الرجال ».
۳۱. کامل الزیارات، باب ۱۷، ص ۱۳۱، ح ۸.
۳۲. کامل الزیارات، تحقیق علامه امینی، ص ۷۶-۷۷؛ همان، تحقیق بهراد جعفری، ص ۱۶۳-۱۶۴؛ کامل الزیارات، نسخه خطی کتابخانه آیت الله فاضل خوانساری، ص ۱۴۵-۱۴۶؛ مدینه المعاجز، ج ۴، ص ۱۸۶ و ۱۸۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۰۴-۲۰۵.
۳۳. یک روایت به نقل از شخصی به نام سلیمان (باب ۱۷، ح ۸)؛ یک روایت به نقل از کعب الأحبار (باب ۲۱، ح ۲)؛ یک روایت به نقل از عروة بن زبیر از جناب ابوذر رضوان الله علیه (باب ۲۳، ح ۱۵)؛ یک گزارش به نقل از شخصی از اهالی بیت المقدس (باب ۲۴، ح ۲) و یک نقل هم از الزهری (همان، ح ۳).
۳۴. باب ۱۷، ح ۸.
۳۵. باب ۲۱، ح ۲.
۳۶. باب ۲۳، ح ۱۵.
۳۷. باب ۲۴، ح ۲.
۳۸. همان، ح ۳.
۳۹. برای مجموعه ای از اینگونه روایات به نقل از منابع کهن عامه ر. ک: شرح إحقاق الحق، ج ۱، ص ۴۵۸-۵۸۹.
۴۰. برای نمونه ر. ک: حلیة الأولیاء: ج ۱، ص ۳۶۵ (تحذیر در مصر)؛ مسند الشهاب قاضی قضاعی، ج ۱ ص ۳۰۴ و ۳۷۸؛ تاریخ بغداد، ج ۷ ص ۶۲؛ تاریخ مدینه دمشق: ج ۳۷، ص ۳۷۳ و ج ۵۸، ص ۳۷۴؛ إكمال تهذیب الكمال ابن ماکولا، ج ۷ ص ۲۳۹؛ تغلیق التغلیق ابن حجر، ج ۴، ص ۱۷۰.
۴۱. ر. ک: پاورقی های پیشین.
۴۲. مانند ابن جمیع که عبارتش پیشتر گذشت. برای نمونه هایی دیگر ر. ک: تاریخ مدینه دمشق: ج ۵۸، ص ۳۷۴ و المقفی الكبير مقریزی، ج ۱، ص ۳۰.



## منابع و مأخذ

١. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمدبن علی (١٣٧٦)، *الأمالی*، تهران: کتابچی.
٢. \_\_\_\_\_، (١٣٧٨)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تصحیح: السيد مهدی اللاجوردی، تهران: نشر جهان.
٣. \_\_\_\_\_، (١٣٩٦)، *فضائل الأشهر الثلاثة*، تحقیق: غلامرضا عرفانیان، قم: مكتبة الداوری.
٤. ابن قولویه جعفر بن محمد، *کامل زیارات*، نسخه خطی کتابخانه آیت الله فاضل خوانساری، ش ١٧٦.
٥. \_\_\_\_\_، (١٣٥٦)، *کامل زیارات*، تصحیح: عبدالحسین الأمینی، الطبعة الأولى، النجف الأشرف: دارالمرتضویة.
٦. \_\_\_\_\_، (١٤٢٩ق)، *کامل زیارات*، تصحیح جواد القیومی، قم: نشر الفقاهة.
٧. \_\_\_\_\_، (١٣٩٦)، *کامل زیارات*، تصحیح بهراد الجعفری، تهران: جعفری راد.
٨. ابن عساکر الدمشقی، علی بن الحسن (١٤١٥ق)، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر.
٩. ابوالحسنی، رحیم (١٣٨٦)، *عالمان شیعه*، با راهنمایی محمود تقی زاده داوری، قم: انتشارات شیعه شناسی.
١٠. ابن الأشعث الکوفی، محمد بن محمد، *الجعفریات*، تهران: مكتبة النینوی الحديثة.
١١. أنصاری الهروی، عبدالله بن محمد بن علی (١٤١٨ق)، *دَم الکلام وأهله*، تحقیق عبد الرحمن عبدالعزیز الشبل، المدينة المنورة: مكتبة العلوم والحکم.
١٢. أصبهانی، أبو نعیم أحمد بن عبدالله (بی تا)، *حلیة الأولیاء*، تحقیق: کمال یوسف، قاهره: دار أم القرى.
١٣. بغدادی، أحمد بن علی الخطیب (١٤١٧ق)، *تاریخ بغداد*، دراسة و تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیة.
١٤. بحرانی، السيد هاشم (١٤١٣ق)، *مدینة معاجز الأئمة علیهم السلام*، قم: مؤسسة

## المعارف الإسلامية.

١٥. بصرى، محمد بن سعد (١٤١٠ق)، *الطبقات الكبرى*، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية.
١٦. بيهقى، أحمد بن الحسين (١٤١٠ق)، *شعب الإيمان*، تحقيق: محمد السعيد بسيوني زغلول، بيروت: دارالكتب العلمية.
١٧. تسترى، محمد تقى (١٤١٠ق)، *قاموس الرجال*، الطبعة الثانية، قم: مؤسسة النشر الإسلامى.
١٨. ثعلبى، أحمد بن إبراهيم (١٤٢٢ق)، *تفسير الثعلبى (الكشف و البيان)*، تحقيق الإمام أبى محمد بن عاشور، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
١٩. جوزى، عبدالرحمن بن على (١٣٨٦)، *الموضوعات*، تحقيق عبدالرحمن محمد عثمان، مدينه: المكتبة السلفية.
٢٠. حسكاني، الحاكم عبيد الله بن عبدالله (١٤١١ق)، *شواهد التنزيل*، تحقيق: محمد باقر المحمودى، تهران: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.
٢١. حسيني، السيد عبدالكريم بن طاووس [بى تا]، *فرحة الغرى فى تعيين قبر أمير المؤمنين على عليه السلام*، قم: منشورات الرضى.
٢٢. خزرجى، الشيخ صفاء الدين (١٤١٩ق)، «من فقهاؤنا: الفقيه الأقدم أبو الفضل الجعفى»، *فقه أهل البيت عليهم السلام* (عربى)، ش ١١-١٢.
٢٣. ذهبى، محمد بن أحمد (١٣٨٢)، *ميزان الاعتدال فى نقد الرجال*، تحقيق على محمد الجاوى، بيروت: دار المعرفة.
٢٤. \_\_\_\_\_، (٢٠٠٣)، *تاريخ الإسلام*، تحقيق بشّار عوّاد معروف، [بى جا]: دار الغرب الإسلامى.
٢٥. \_\_\_\_\_، (١٤٠٥ق)، *سير أعلام النبلاء*، تحقيق مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، [بى جا]: مؤسسة الرسالة.
٢٦. رافعى، عبدالكريم بن محمّد (١٤٠٨ق)، *التدوين فى أخبار قزوين*، تحقيق: عزيز الله العطاردى، بيروت: دارالكتب العلمية.





٢٧. رحمتی، محمد کاظم (١٣٨٢)، «صحيفة الرضا عليه السلام به روایت شيخ صدوق و ابو عبد الرحمن سلمی»، کتاب ماه دین، ش ٧٠-٧١.
٢٨. سلمی، محمد بن الحسين (١٤١٠ق)، *آداب الصحبة*، تحقيق مجدى فتحى السيد، مصر: دار الصحابة.
٢٩. سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن (١٤٣١ق)، *الزيادات على الموضوعات*، تحقيق رامز خالد حاج حسن، الرياض: مكتبة المعارف.
٣٠. صيداوى، أبو الحسن محمد بن أحمد بن جميع (١٤٠٥)، *معجم الشيوخ*، تحقيق عمر عبدالسلام تدمرى، [بى جا]: مؤسسة الرسالة.
٣١. طبرى، محمد بن جرير (١٤٢٧ق)، *نوادير المعجزات*، تحقيق باسم محمد الأسدى، قم: دليل ما.
٣٢. طبرى، محمد بن جرير (١٤١٣ق)، *دلائل الإمامة*، تحقيق قسم الدراسات الإسلامية، قم: مؤسسة.
٣٣. طوسى، الشيخ محمد بن الحسن (١٤٢٧ق)، *رجال الطوسى*، تحقيق جواد القيومى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى.
٣٤. \_\_\_\_\_، [بى تا]، *تهذيب الأحكام فى شرح المقنعة*، حققه السيد حسن الموسوى الخراسان، تهران: دار الكتب الإسلامية.
٣٥. \_\_\_\_\_، (١٤٢٠ق)، *فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول*، تحقيق: السيد عبدالعزيز الطباطبائى، قم: مكتبة المحقق الطباطبائى.
٣٦. \_\_\_\_\_، (١٤١٤ق)، *الأمالى*، تحقيق قسم الدراسات الإسلامية، قم: مؤسسة البعثة؛ دار الثقافة.
٣٧. عاصمى، أحمد بن محمد (١٤١٨ق)، *العسل المصطفى من تهذيب زين الفتى*، تحقيق: محمد باقر محمودى، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.
٣٨. عسقلانى، أحمد بن على بن حجر (١٤٠٥ق)، *تغليق التعليق*، تحقيق: سعيد عبدالرحمن موسى القزقى، بيروت و عمان: المكتب الإسلامى و دار عمار.

٣٩. فتحى خليل، عبدالعظيم (١٤٢٥ق)، *الأعلام الممنوعة من الصرف فى القرآن الكريم*، قاهره: مكتبة الآداب.
٤٠. قزوينى، محمد بن يزيد [بى تا]، *سنن ابن ماجه*، حَقَّق نصوصه ورقم كتبه وأبوابه و أحاديثه و علَّق عليه: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار الفكر.
٤١. قضاعى، القاضى محمد بن سلامة (١٤٠٥)، *مسند الشهاب*، تحقيق حمدى عبدالمجيد، بيروت: مؤسسة الرسالة.
٤٢. مجلسى، محمد باقر (١٤٠٣ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بيروت: مؤسسة الوفاء.
٤٣. مرعشى النجفى، السيّد شهاب الدين [بى تا]: *شرح إحقاق الحقّ*، قم: مكتبة آية الله المرعشى النجفى.
٤٤. مزّى، يوسف بن عبدالرحمن، *تهذيب الكمال*، تحقيق بشّار عوّاد معروف، بيروت: مؤسسة الرسالة.
٤٥. معلوف، عيسى اسكندر (١٩٦٦م)، «معجم تحليل أسماء الأعلام الشخصية و تاريخها»، *المشرق*، سال ٦٠، به كوشش: رياض المعلوف، ش: ٢٠١.
٤٦. مغلطاي بن قليج المصرى، علاء الدين (١٤٢٢ق)، *إكمال تهذيب الكمال فى أسماء الرجال*، تحقيق أبو عبدالرحمن عادل بن محمد و أبو محمد أسامة بن إبراهيم، [بى جا]: الفاروق الحديثة.
٤٧. مقدسى، محمد بن أحمد (١٤١١)، *أحسن التقاسيم*، [بى جا]: مكتبة مدبولى.
٤٨. مقرئى، أحمد بن على (١٤٢٧)، *المقفى الكبير*، تحقيق محمد اليعلاوى، بيروت: دار الغرب الإسلامى.
٤٩. نجاشى، أحمد بن على (١٤٢٤ق)، *رجال النجاشى*، تحقيق السيّد موسى الشيبيرى الزنجانى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى.
٥٠. هروى، أبو عبيد القاسم بن سلام [بى تا]، *الغريب المصنّف*، تحقيق: محمد المختار العبيدى، تونس: المؤسسة الوطنية.



این مقاله از سامانه مطالعات اعتبار سنجی حدیث به آدرس

<http://vsh.journals.hozekh.com>

دریافت شده است.